

فصل نخست

## حماسه پیامبران

بکلام خدا آسمانها ساخته شد و کل جنود آنها به نفخه دهان او . . زیرا  
که او گفت و شد، امر فرمود و قائم گردید." (۱) "زمین را بر اساس استوار کرده  
که تا ابدالآباد جنبش نخورد." (۲)

زیبائی دنیای مصنوع پروردگار غیر قابل وصف بود. سطح زمین باکوه ها و  
تپه ها و دره ها متنوع شده رودخانه های حیاتبخش دشتها را تقسیم می نمودند و  
بسوی دریاچه های گوهرمانند جاری میشدند. کوه ها و تپه ها گرچه سرهای خود  
را به افلاک کشیده بودند ولی پرتگاه ها و دره های خطرناک امروزه را نداشتند.  
سطح دشتهای زمین زیر مزارع سبز و دلگشائی پنهان شده بود. نه لجن زاری وجود

داشت نه دشتهای خشک و سوزان. بنه های دلپسند و گل‌های معطر از هر طرف به چشم می‌خورند. درختان زیبا چون ناجی زینت بخش بلندیها گردیده بودند. آب و هوای پاک عاری از آلودگیهای دود کارخانه ها برای همه موجودات حیات افزا بود. خیل فرشتگان از مناظر باشکوه مصنوع پروردگار یکتا بوجد در آمده بودند.

پس از خلقت زمین وعالم حیوانات و نباتات، انسان اشرف مخلوقات که تمام اینها بخاطر وی بوجود آمده بود به هستی آورده شد و سر آمد کائنات گردید. "و خدا گفت آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا . . . بر تمام زمین . . . حکومت نماید. پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. . . ایشان را نر و ماده آفرید." (۳) در این آیه مبدء نوع بشر بقدری صریح ذکر شده است که جای شک و تردید و تفسیر وجود ندارد. خداوند انسان را به صورت خویش آفرید. این جمله کنایه نیست. هیچ دلیلی برای فرضیه تکامل تدریجی انسان از تک یاخته های نامعلوم یا از تخمدان های نباتی وجود ندارد. فرضیه تکامل کار مجلل خالق یکتا

را به سطح محدود ادراک بشری تنزل می‌دهد. بسیاری امروزه سعی دارند خالق یکتا را از صحنه حکومت کائنات اخراج کنند تا جائیکه حتی اصالت خلقت انسان را تحقیر نمایند. آن که ستارگان را در خط سیر خود قرار داد و دشتها را باگلهای رنگارنگ مزین فرمود و آسمان و زمین را از عجائب قدرتش مملو ساخت نه تنها در پیدایش اشرف مخلوقات کوتاهی نکرد بلکه بهترین و کاملترین شگفتیها را که شایسته الوهیتش بود پدید آورد. نسب نامه ابوالبشر یک سلسله تکامل تک یاخته ای یا چند یاخته نبوده بلکه پدیده ای از جانب خالق بزرگ است . گرچه انسان را از خاک زمین بسرشت ولی درحقیقت مخلوق خالق سرامدی میباشد.

ابوالبشر چون نماینده خداوند به سرپرستی سایر موجودات گماشته شد. با وجود اینکه آنها از شناخت و درک حکومت الهی عاجز بودند مع الهمذا سرتسلیم در برابر آدم فرود آوردند. نویسنده مزمور چنین میگوید: "او را بر کارهای دست خودت مسلط نمودی و همه چیز را زیر پای وی نهادی. . . و بهاییم صحرا را نیز.

مرغان هوا. . . و هرچه بر راه های آنها سیر میکند." (۴)

قرار بود آدم صورت و سیرت خدا را منعکس سازد. طبیعت انسان با اراده خداوند هماهنگی کامل داشت و گرچه فقط مسیح "مظهر کامل" (۵) پدر میباشد ولی انسان به شباهت خدا آفریده شد. مغز وی قدرت درک امور الهی را داشت. علائق ابوالبشر منزّه و اشتها و تمایلاتش کاملاً "تحت کنترل عقل سلیمش بود. وی در کاربرد صفات منزّه خداوندی و اجراء اراده مقدس وی مسرور و شادمان بود. روزی که ابوالبشر بدست خالق آفریده شد بلندقامت و خوش منظر بود. چهره وی فام صحت و نور سعادت ازلی را میتابانید. قد و بالای حضرت آدم رشیدتر از قامت کنونی مردم بود. حضرت حوا اندکی کوتاهتر از همسرش و اندامش مظهر زیبایی بود. زوج بیگناه لباسهای مصنوعی در بر نداشتند بلکه باپوشش نوری شبیه فرشتگان ملبس بودند و مادامی که در مسیر عبودیت خدائی میزیستند این نور جسم مقدسشان را می پوشانید.

پس از خلقت آدم تمام جانداران برای نامگذاری به نزدش آورده شدند. آنگاه ملاحظه کرد که هر کدام زوجه ای دارد منتها در آن میان "معاونی موافق وی یافت نشد. . . و خداوند گفت: خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازم." (۶) انسان برای زندگی در انزوا خلق نگردید زیرا او موجودی اجتماعی بود. بدون همدم مناظر زیبا و نگهداری باغ دلپذیر عدن مسرت چندانی بوجود نمی آورد. حتی معاشرت با ملائکه نیز نمی توانست آرزوی باطنی آدم را برآورده سازد.

خداوند خود همسری برای آدم آفرید. همسری که همردیف وی بود، یعنی کسی که در شادی و ناکامی با او هم‌آهنگ میگردید. حوا از دندهٔ پهلوی آدم بوجود آمد. یعنی از سر او گرفته نشد تا بر او حکومت کند و نه از پاهای او گرفته شد که مرئوس او باشد بلکه از پهلوی وی برداشته شد تا همسر و همتای محبوب و حامیش باشد. زن بخشی از جسم آدم بود. او استخوانی از استخوانهایش

و گوشتی از کوشتش و یا در واقع المثنای وی بود. اینها همبستگی نزدیک دوتن و قوه جاذبه زوجین را در این رابطه نشان میدهد. "هیچ کس هرگز از بدن خود متنفر نبوده است. بلکه به آن غذا میدهد و از آن مراقبت میکند." (۷) از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترک کرده و بزنج خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود." (۸)

اولین جشن با مراسم عقد تحت فرمان خداوند اجرا شد بنا بر این مؤسس این رسم غیر از خالق آسمان وزمین دیگری نبوده است. "همه باید ازدواج را محترم بشمارند." (۹) ازدواج یکی از اولین هدایای خداوند به بنی آدم بود و در واقع یکی از دو رسم اساسی بود که قبل از ورود گناه به انسان داده شد. وقتی که فرامین الهی رعایت شوند در ماوراء این همبستگی است که ازدواج یکی از برکات عظیم محسوب می شود زیرا که پاکیزگی و سعادت نسل بشری را تضمین و احتیاجات اجتماعی بشر را میسر میگرداند. ازدواج باعث ترفیع طبیعت جسمی،

عقلی، و اخلاقی بشر میگردد.

"و خداوند باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود و آدم را که سرشنه بود در آنجا گذاشت." (۱۰) خداوند همه چیز را در نهایت زیبایی آفرید و برای مسرت زوج مقدس هیچ نقصی وجود نداشت. با این همه بخاطر افزونی محبت خود نسبت بآنان باغ عدن را برای سکونت آنان تعیین فرمود. در این باغ درختان متنوع با میوه های خوش طعم و معطر و پیچکهای زیبا و گوناگون، لطف و ارزش غیرقابل وصفی به زندگیشان میبخشید. حفاظت و نگهداری درختان و غرس شاخه آنان برای تغذیه از میوه اش تربیت پیچکها بمنزله تزئین کاشانه خود وظیفه و کار آدم و حوا بود. درخت حیات که از همه نباتات جهان زیباتر و پرشکوهتر بود در وسط باغ استوار گردیده بود. میوه حیات بخشش مانند سیبهای طلا و نقره گونه ای در آن میان میدرخشید.

خلقت به اتمام رسید و آسمانها وزمین و همه لشکر آنها تمام شد. . . و

خدا هر چه ساخته بود دید و همانا بسیار نیکو بود." (۱۱) عدن چون گل بهشت می درخشید. آدم و حوا آزادانه می توانستند از درخت حیات میل کنند. ابر گناه و سایه موت خلقت کامل را تیره و تار نمیکرد. "هنگامی که ستارگان صبح باهم ترنم نمودند، جمیع پسران خدا آواز شادمانی سر دادند." (۱۲)

ذات ازلی شالوده جهان را نهاده بود و آن را با پوشاک زیبا زینت بخشیده، جهان را با اشیای مفید مملو گردانیده بود. وی تمام عجائب خشکی و دریا را تهیه نموده بود. در عرض شش روز کار خلقت را باتمام رسانید. "و در روز هفتم از همه کار خود که ساخته بود آرام گرفت. پس خدا روز هفتم را مبارک خواند و آنرا تقدیس نمود زیرا که در آن آرام گرفت از همه کار خود که خدا آفرید و ساخت." (۱۳) خداوند بارضایت کامل مصنوع دستهایش را نگریست. همه کامل و مستحق آفریننده شان بودند. وی از کار خلقت این عالم دست کشید ولی نه به علت خستگی زیرا که پروردگار خسته و درمانده نمیشود بلکه از ثمره حکمت

وفطانت و تجلی جلال خویش خرسند بود.

پس از اتمام کار خلقت شش روزه، خداوند روز هفتم آرام گرفت و آن روز را تقدیس نموده برای استراحت بشر اختصاص داد. طبق نمونه خالق خود انسان قرار بود روز مبارک هفتم هفته از همه کار خود دست کشیده با توجه به آسمان و زمین و به کار شگرف خالق خویش تفکر و تعمق نماید تا با درک به حکمت و عطوفت الهی باقلبی فروتن و پر از سپاس و شکر، سازنده خویش را تمجید نماید. خداوند در باغ عدن بیادبود خلقت جهان ، روز هفتم را مبارک خواند. روز سبت به آدم که پدر و نماینده نوع بشر بود داده شد. حفظ آن نشانه ای از وفاداری و سپاسگزاری ساکنان جهان نسبت به خالق مهربان خود بود، نحوه ای در اعتراف از اینکه مصنوع وی مطیع امر او می باشد. این روز علامتی مبهم و اصل محدودی برای امت خاصی نبوده است. خداوند نیاز به یک روز راحت را برای انسان حتی در عدن واجب

دانست. لازم بود هفته ای یک روز کلیه وجود خود را به تعمق در امور الهی تخصیص داده در قدرت و محبت پروردگار تفکر کند. بشر برای نزدیکی به خالق خود و سپاسگزاری بخاطر فیض و موحبت‌هاییکه به او ارزانی شده بود نیاز مبرمی به روز سبت داشت.

مقصود از ایجاد روز سبت آن است که انسانها آفریننده خود را بیاد آورند. ی، خالق و نگهدار کل هدایت میکند. "آسمان جلال خدا را بیان میکند و فلک از عمل دستهایش خبر میدهد. روز سخن می راند تا روز و شب معرفت را اعلان میکند تا شب." (۱۴) پوشش زیبای دنیای حاضر علامتیست از محبت پروردگار که آن را در کوه های مرتفع، درختان سبز و خرم، غنچه ها و شکوفه های چمنزارها مشاهده میکنیم. همه با هماهنگی از بی همتائی خدا سخن میگویند. روز سبت مستقیماً به خالق که آفریننده همه است اشاره میکند و بشر را وادار می نماید تا کتاب طبیعت را

گشوده حکمت و قدرت و محبت خالق را مطالعه کند.

با وجودیکه والدین نخست ما معصوم و مقدس آفریده شدند ولی مبرا از امکان خطا نبودند. چون آزاد آفریده شده بودند میتوانند میتوانند حکمت و نعمت و عدالت خدا را احساس کنند و در اطاعت یا سرپیچی از آن تصمیم اتخاذ کنند. قرار بر این بود که با خالق و ملائکه مقرب مستقیماً ارتباط داشته باشند ولی میباید قبلاً اطاعت مطلق خود را از طریق آزمایش بمنصه ظهور رسانند. در همان ابتدای خلقت نوعی آزمایش خود خواهی که سبب انزوای شیطان گردید، بشر نیز دچار آن شد. درخت معرفت که در نزدیکی درخت حیات قرار داشت آزمایشگاه اطاعت و ایمان و محبت والدین نخست بشر بود. آنان از میوه تمام درختان باغ جز درخت معرفت می توانستند آزادانه میل کنند ولی تخلف از این فرمان، یعنی خوردن میوه این درخت آنان را به مرگ ابدی محکوم میساخت. در عین حال میباید با وسوسه های شیطان نیز مواجه شوند ولی چنانچه در این آزمایش پیروز

شوند از سلطه قدرت او خارج شده از احسان دائمی خداوند برخوردار خواهند شد.

خداوند انسان را مضمول شریعت گردانید تا مطابق آن زندگی کند. آدم تابع حکومت الهی بود. هیچ حکومتی بدون قانون وجود ندارد. خداوند میتواند انسان را بنحوی بیافریند که قادر بنقض شریعت نباشد. میتواندست مانع دست آدم از لمس کردن میوه ممنوعه درخت معرفت گردد ولی در آن صورت انسان مانند ماشینی بی اختیار و بی احساس میبود. بدون آزادی عمل همه کارهای او باجبار بود. در نتیجه رشد اخلاقی برای او مفهومی نمیداشت. این پدیده ای برخلاف نقشه خدا در طرح ریزی شالوده عالم میگرددید. جبر مذکور شایسته اشرف مخلوقات نبود و استدلالی بر ادعای شیطان بر علیه خالق محسوب میگرددید.

خدا انسان را درستکار آفرید. اخلاق برجسته ای بدون تمایل به بدی به وی عطا فرمود. قدرت دماغی عجیبی به انسان ارزانی داشت و عالیترین دلیل

تمایلات به وفاداری و صداقت را در پیش وی نهاد. اطاعت کامل و دائم شرط مسرت و شادگامی ابدی بود. در چنین حالتی وی حق استفاده از میوه درخت حیات را داشت.

محیط خانه والدین نخست بشر قرار بود نمونه ای برای زندگی فرزندان آتی آنان باشد. منزلی که به امر خالق آسمان و زمین برپا شده بود قصر باشکوهی نبود. انسانها با بنای مسکن های بزرگ و مجلل، با کبر و غرور خاصی به آنها افتخار نموده و نسبت به آنها خودستائی ها میکنند، ولی بر عکس خداوند ابوالبشر را در باغی قرار داد و این محل اقامتگاه حضرت آدم بود. آسمانهای آبی رنگ سقف آن و زمینش به چمن سبز مفروش که شاخه های پرشکوفه بر آنان سایه میافکند. زیبا ترین و عظیمترین مناظر طبیعی آفریده استاد استادان دیوارهای منزلشان را زینت می بخشید. اطراف زوج مقدس درسی برای همیشه منقوش شده بود. در آن درس بخوبی آشکار بود که طمع، کبر و تجملات مسرت واقعی را ایجاد

نمی کند بلکه در اطاعت و اجرای اوامر الهی میتوان به آن دست یافت. اگر امروزه مردم کمتر به مصنوعات خود اهمیت میدادند و زندگی ساده را ترجیح میدادند به خدای خود نزدیکتر میبودند. کبر و غرور انسانی هیچ گاه ارضاء نمیشود. بر عکس شخص عاقل سعادت واقعی را در چیزهایی که در دسترس عموم قرار گرفته اند دریافت خواهد کرد.

ساکنان عدن مسؤل حفظ و آرایش آن بودند. شغلشان نه تنها خسته کننده نبود بلکه خوش آیند و روح افزا بود. خداوند کار را برای ایشان بمنزله برکت مقرر داشت تا فکر و ذهنشان تحت نفوذ افکار پسندیده قرار گیرد و جسمشان پرورش یافته قوی گردد. آدم در فعالیتهای فکری و جسمی خود نهایت شادکامی را بدست میآورد. ولی در اثر سرپیچی از اوامر الهی از منزلت زیبایش طرد گردید و برای کسب خوراک روزانه اش مشمول زحمت و مشقت فراوان شد. با این وجود همین مشغله مانع وسوسه های دنیوی بوده مقدمه ای برای شادکامی می باشد.

کسانی که کار را نوعی لعنت می پندارند در اشتباه هستند. اغنیاً غالباً کارگران را با نظر پستی مینگرند. این طرز تفکر کاملاً برخلاف مقاصد الهی در خلقت انسان میباشد. املاک و دارائی اغنیاً در مقابل ارث آدم چه ارزشی دارد؟ با وجود این قرار نبود آدم موجودی عاطل و باطل باشد. خالق که منشأ مسرت بشر را میداند کاری در خور وی بوی سپرد. مسرت واقعی را فقط در زندگی کارگران می توان یافت. فرشتگان در زمره فعالترین کارگران می باشند. آنان خدمتگذاران پروردگارند که بخاطر منافع بنی آدم میکوشند. در کائنات خداوند مکانی برای تنبلی و بیکاری وجود ندارد.

تا مادامی که آدم و همسرش نسبت به قوانین الهی وفادار باقی بمانند بر دیگر موجودات جهان حکمرانی میکنند. شیر و بره در نهایت امنیت و صفا در اطراف و کنار پاهای آنان میزیستند و پرندگان زیبا بدون ترس و وحشت به پرواز در آمده و نوای خوششان با سرود تمجید آدم و حوا در فضا طنین انداز بود.

زوج مقدس چون فرزندان تحت حفاظت و دقت والدین خود و مانند شاگردان تعلیمات و دروس زندگی خویش را روزانه از خالق حکیم فرا میگرفتند. همواره با فرشتگان مصاحبت نموده با خالق خود بلا مانع مشورت میکردند. با صرف میوه درخت حیات نشاط جوانی آنان روزانه تجدید میشد. نیروی دماغی آنان اندکی کمتر از فرشتگان بود. شگفتیهای دیدنی جهان "در اعمال عجیبه او که در علم کامل است" (۱۵) سرچشمه دانستیهای جهان را به رویشان میگشود. قوانین و نظم گردش طبیعت که به مدت شش هزار سال افکار متفکرین را بخود معطوف داشته است توسط سازنده و نگهدارنده کل برایشان فاش میشد. اسرار زندگی را از برگ و گل و درخت در می یافتند. آدم با تمام جانداران از نهنگ دریاها گرفته تا حشره ناچیزی که در اشعه خورشید معلق بود آشنائی داشت. هرکدام را نامگذاری کرده بود و به طبیعت آنها وارد بود. از جاه و ذات کبریائی گرفته تا مسیر گردش کرات بی شمار آسمانها، میزان ابرها، شگفتیهای صوت و نور، شب و

روز، همه اینها موضوع تحصیلی والدین نخستین ما بودند. نظم و هماهنگی خلقت از حکمت و قدرت الهی سخن میراندند. درک تدریجی رموز خلقت قلوبشان را مملو از محبت پروردگار نموده زبان شکر و سپاس آنان را مترنم می ساخت. تا زمانی که نسبت به شرایع الهی مطیع و فرمان بردار بمانند شایستگی آنان در دانش و محبت و شادمانی افزایش می یابد. پیوسته از منابع بیکران دانش و سرچشمه شادیهها و محبت پایدار خالق خود برخوردار میشدند.